



«بِسْمِ تَعَالَى»

تحقیق پیرامون افلاک

آیات و روایات فراوانی درباره «آسمان» وارد شده است که نشان می دهد آسمان امری فراتر از شناخت های محدود بشری است. بر اساس آیات صریح قرآنی، تمامی سیارات و اجرام سماوی و کهکشان ها تنها زینت های آسمان دنیا (آسمان اول) محسوب می شوند. «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكِبِ»، (صافات(37/6)؛ یعنی «ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم» که ما از درک همین آسمان هم عاجزیم، حال آنکه آسمان خود هفت طبقه و هفت مرتبه را شامل است و آسمان های بالاتر هرچه باشند، غیر از این محدوده و مرتبه ای هستند که برای آسمان اول تعریف شده است.

حضرت ملاصدرا(اعلی...مقامه) نیز در مقام خلقت آسمان ها و کواکب در جلد سوم اسفار، صفحه 139 می فرماید: «فارفع الان رأسک إلى السماء وانظر وتفکر فی کیفیة خلق السماوات وفی کواکبها وفی دورانها علی نسق وانتظام وفی طلوعها وغروبها واختلاف مشارقها ومغاربها ودؤوب شمسها وقمرها ومشتريها وزحلها فی حركة علی الدوام وسعيها فی عشق... وطلب لقائه من غیر فتور.»

چهرهات را به سوی آسمان برافراشته نما، تفکر و تأمل در کرات و کواکب آسمانی کن و در نظم و ربط آنها که چگونه دائماً در دوران اند، چگونه آنها در ارتباط و نظم اند و چگونه در طلوع و غروب اند. خورشید، قمر، مشتری و زحل را در سیر سیارات و ثوابت شان، کیفیت جذب و انجذاب، کیفیت تأثیر و تأثر و ابهت و عظمت و شکوه و جلال شان که همه و همه طبق منطق قرآن زینت های جو هستند، به زینت تفکر خویش رونق ده!

«فی عشق... و طلب لقائه»؛ و بدان که آن ها در عشق...تعالی و طلب لقائشان به کوشش و سیر و در خیزش، شوق و شغف اند. به دید آر که تمام رشد زمینیان و تعادل آنان از جمله رشد درختها، موج دریاها و عطر گلها اثر این کواکب و اجرام آسمانی است. تعادل جسم انسان در این غوغای جریان خون و در نحوه سکون و خیزش ذرات آن همه و همه تحت اثرات این اجرام سماوی و انوار کوکبی در فیضانند.

اگر موج فکری و مغزی کاوشگران و محققان جهان به رقص علمی درآیند و بخواهند فرضاً کیفیت و کمیت تنظیم تعادلی که جرم عطارد بر یک میلیارد نورون های مغزی انسان دارد، بیابند، نخواهند توانست به تنظیم و احصاء آن قانع گردند. آری، دریافت این موهبت ها میسر نیست و نخواهد بود جز اسراری که در درون آنان به موج اند.

باید دانست نقش فلک در جهان خلقت بسیار حائز اهمیت است به طوری که دانشمندانی چون گالیله، فلاماریون فرانسوی، ابن رشد اندلسی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا و میرداماد(اعلی...مقامه) درباره جذب و دفع افلاک به تحقیق رفته و نظرها داده اند و در میان تحقیقاتی که در زمینه فلک انجام شده است بعضی از این تحقیقات انگیزه علمی و بهره مادی داشتند و برخی دیگر انگیزه شان الوهی و روحانی است و همچنین هدفشان نمایاندن نشانه های فیض خدا بوده و هست.

اما اگر بخواهیم از نظر لغوی در «فلک» به تحقیق رویم باید بگویم که فلک به معنی «چرخ گردون» و «سپهر» است. بسیاری از قدما افلاک را نه گانه دانند: قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و زحل و..

در توضیح باید گفت: فلک اول یا «فلک قمر» نامیده شده؛ به این دلیل که در این فلک، کوکب قمر واقع شده است (به همین واسطه به عالم عنصری، عالم تحت فلک قمر نیز گفته می شود). فلک دوم «فلک عطارد» است که به صورت محدب پس از فلک اول واقع شده و احاطه بر فلک قمر همچنین عالم عناصر مادی دارد. به همین ترتیب، افلاک بعدی که هر کدام به نام یکی از کواکب نامیده شده اند، به صورت محاط بر هم واقع شده و

به ترتیب عبارت اند از: فلک زهره، فلک شمس، فلک مریخ، فلک مشتری و فلک زحل. بعد از این افلاک هفت گانه، فلک هشتم یا فلک ثوابت واقع شده و خود بر برج های دوازده گانه تقسیم شده است. (سیدحیدر آملی، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم، سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، ج2، ص211). آخرین فلکی که محیط بر تمامی افلاک است و آخرین حد از عالم ماده اعم از ماده عنصری و اثیری محسوب می شود، فلک اقصی یا فلک اطلس یا «محدّد الجهات» نام دارد. به این ترتیب عالم جسمانی اعم از عنصریات و اثیریات متشکل از نه فلک تو در تو بوده و هر فلک بالاتر بر افلاک و عوالم پائین تر احاطه داشته و مدبّر آن محسوب می شود. (سیدجعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ج1، ص257).

(حال، تا چه میزان این دید قابل پذیرش است؟ بر تو محقق ضرور است که آن را دریابی!)

اما اگر بخواهیم راز شناوری فلک را در جهان بیابیم، باید بدانیم بر اساس نظریات حکمای پیشین، عالم خلقت به طور کلی متشکل از سه مرتبه است: عالم عقول (مجردات) عالم نفوس (واسطه بین ماده و مجرد) و عالم اجسام یا عالم ماده. خود عالم اجسام یا عالم ماده نیز بر دو قسم است: اجسام عنصری و اجسام اثیری. اجسام عنصری همان ماده ظاهری و دنیوی است که از عناصر مادی تشکیل شده که همواره در حال تغییر و تبدیل است، اما اجسام اثیری دارای صورتی ثابت و پایدار بوده و از ماده ای لطیف خلق شده اند به همین خاطر فلک حالت شناوری دارد. (سیدمحمد خالد غفاری، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص59). درواقع اثیر عنصر پنجمی غیر از عناصر اربعه است که جرم افلاک را تشکیل میدهد و دستخوش کون و فساد و خرق و التیام نمگردد. (همان، ص60).

در اینجا می خواهیم تحقیقی در نظرات امپدوکلس (Empedokles) فیلسوف پیشاسقراطی قرن پنجم ق.م داشته باشیم. امپدوکلس یکی از شخصیت هایی است که علاوه بر تحقیق در رشته های پزشکی، شیمی و فیزیک نکته هایی هم درباره افلاک دارد؛ وی قبل از میلاد مسیح می زیست و نزد فیثاغورسی ها به تحصیل پرداخت. زندگی امپدوکلس پر از غوغای نیمه افسانه ای است؛ از آن جمله او معتقد بود: «در روزگاران پیش، جوانکی بوده، بعد دوشیزه ای شده، سپس به صورت بوته ای پرگل در آمده، آنگاه پرنده ای گشته، و بار دیگر تغییر صورت داده، به شکل یک ماهی، در خاموشی اعماق دریا به شناگری پرداخته است.» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص390). این جملات از پذیرش او به موضوع تناسخ حکایت دارد. قابل ذکر است، موضوع تناسخ از نظر قرآن و مذهب صدرصد مردود است و این گفته امپدوکلس نه از نظر مبنای قرآن و روایات معصومین سندیت دارد و نه در عقل تکیه گاهی و به افسانه ای شبیه است و بس.

نظر دیگر امپدوکلس آن است که «هرچه نور از خورشید می رسد، اشیا و ذرات آن را گیرند و زمین از نور آن بی بهره است.» به عقیده او، احساس، از جدا شدن ذرات از اشیا و رسیدن آنها به مسامات حسی پدید می آید؛ بنابراین، نور تا از خورشید به ما برسد، مدتی وقت می گیرد؛ چون زمین مانع رسیدن اشعه خورشید گردد، شب پیدا می شود.

این مطلب هم طبق جان آیات قرآن کریم قابل قبول نیست؛ آنگاه که می فرماید روزی های شما را از گذر رحمت و باران در زمین ها قرار دادیم نه تنها روزی هایی که ارگانیزم جسم را بیاراید و بسازد بلکه هدف از روزی، روزی کمال، روزی حقیقت و روزی عرفان از گذر زمین به دلها سرایت می نماید.

(در صورتی که تو بیننده یا شنونده تأمل نمایی که روزی علمیات گو اینک از دید چشمان و هیئت ترکیبی جسم و ماده است، ولی درحقیقت خواهی یافت آن سوی این ماده جهان دیگری نهفته است، نامش روزی جان است.)

همان گونه که گفتیم، در میان تحقیقاتی که در زمینه فلک انجام شده است بعضی از این تحقیقات انگیزه علمی و بهره مادی داشتند و برخی دیگر انگیزه شان الوهی و روحانی است و همچنین هدف شان نمایاندن نشانه های فیض خدا بوده و هست. در حکمت قدیم برای هر یک از افلاک خواصی قائل شده و نشانه های خاصی قرار داده اند که در هماهنگی با این افلاک است. (ر.ک: احکام النجوم، ابوریحان محمدبن احمد بیرونی، چاپخانه مجلس). اما اگر بخواهیم درباره صحت و سقم و حق و باطل این علوم و تحقیق در اصول علمی قدما وارد شویم. نظر اعظم الفقها شیخ انصاری (اعلی ا...مقامه) را در این زمینه بیان می کنیم که ایشان این مسئله را در چند بخش مورد بررسی و دقت نظر قرار داده اند:

اول: اگر گزارش و خبر از اوضاع فلکی و کواکب براساس اصول صحیح و قواعد علمی باشد، مانند خبر از سیر و

گردش کواکب و پدیده خسوف که ناشی از حایل شدن زمین بین ماه و خورشید، و کسوف که در اثر مانع شدن ماه از نور خورشید به زمین است، این بخش صحیح است و خبر دادن از آن هم جایز است. دوم: اگر اساس کار منجم تجربه قطعی باشد و بر این پایه خبر دهد که کواکب دلالت دارند فلان پدیده رخ خواهد داد، گزارش از چنین امری صحیح است و قطعاً حرام نیست. یک نمونه آن قضیه ای است از خواجه نصیرالدین طوسی، مروج علم اخترشناسی، که نقل کرده اند ایشان در یکی از سفرهای خود به آسیایب رسید و در آنجا منزل گزید، آسیابانگفت: امشب زیر سقف استراحت کن زیرا باران مبارد، خواجه به اوضاع فلک نگاهی انداخت و گمانی به بارش باران نبرد. آسیابان گفت: من سگی دارم که شب های بارندگی بالای پشت بام نمی رود و زیر سقف می خوابد. ولی خواجه بر پشت بام خوابید و شب هنگام باران بر او باریدن گرفت و او از این وضع خیلی در شگفت ماند.

سوم: اگر پدیده ها و رخدادهایی که به دلالت نجوم پدید می آیند را اثر مستقیم و مستقل اختران بدانیم (بدون استناد به خداوند) و از آن خبر دهیم، چنین حکم و گزارشی حرام است و مسئله «تنجیم حرام» در این بخش وجود دارد.

و اما یکی از موضوعاتی که در زمینه افلاک مطرح می شود «حرکت فلک» است. حضرت ملاصدرا مفصلاً به این مقوله در جلد اول اسفار در ذیل موضوع «قدم و حدوث» پرداخته اند. در واقع، منشأ زمان را از حرکت فلک می دانند و معتقدند تمام احجام عالم یعنی قواره ها و اندازه ها و همچنین اثرها در عالم از حرکت فلک تنظیم می شود. طبق حکمت الهی به یک اندازه فرمان حرکت به فلک صادر می شود، که از حدش تجاوز نکند. اگر ذره ای کندتر یا تندتر حرکت کند، احجام عالم بزرگ تر یا کوچک تر از حیز ارتفاع خود می شوند، پس به حد متعادل باید حرکت کند تا مثلاً اندام ما در حدّ خود باقی بماند.

بسیاری از عرفا نظر داده اند که فلک به فرمان «کن» ایجاد می شود، اما بهتر آن است که بگوییم خلقت فلک از خداست، حرکت فلک از رسول... (ص) است و آن نیرویی که باید فلک را حفظ کند تا افسار گسیخته نشود، مولانا الاعظم قطب دائرة عالم امکان علی بن ابیطالب (ع) است، اما اگر سرعت فلک زیاد باشد، جهان می سوزد و اگر کم باشد، جهان می ماند در واقع، آنکه فلک را عدالت داد، عصمت الکبری فاطمة الزهرا (س) است. پس یافتیم، زندگی هر موجود در جهان ناسوتی در چرخش افلاک شناور و در درون جهان غوطه ور است. افلاک می گردند و گردش افلاک اضداد را در ارگانیزم موجودات به جهش و رقص می آورد. تا فکر سالم، روش و دید سالم و بیان و عقیده سالم در درون هر انسان به ثمر نشیند.

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متأله استاد سیدعلی موسوی